



Muhkam and Mutashabih: An Analysis of the Origin, Scope, and Wisdom of Ambiguous Verses

Abbas taghavian

Retired Faculty Member, Imam Sadiq University

Email: abbastaghavian1@gmail.com

Orcid: [0009-0000-7190-9623](https://orcid.org/0009-0000-7190-9623)

Azam Heydari Aref

M.A. in Quranic Studies and Hadith Studies & M.A. in Family Counseling

Email: a.h.aref@gmail.com

Orcid: [0009-0005-4408-911x](https://orcid.org/0009-0005-4408-911x)



Citation

Taghavian,A. and Heydari aref,A. (2025). Muhkam and Mutashabih: An Analysis of the Origin, Scope, and Wisdom of Ambiguous Verses. (e736210). Quranic Studies, 5(16), e736210 doi: [10.22034/qs.2025.736210](https://doi.org/10.22034/qs.2025.736210)

Type of Article: Research Article

Received: 2026/-1/05

Revised: 2026/02/04

Accepted: 2026/03/11

Publish Online: 2026/05/02

Abstract

One of the fundamental topics in Qur'anic sciences and exegesis is the issue of Muhkam (clear, decisive) and Mutashabih (ambiguous, allegorical) verses, which plays a crucial role in the correct understanding of verses and preventing misinterpretations of the divine text. Throughout the history of exegesis, diverse viewpoints have emerged regarding the nature and criteria for identifying Muhkam and Mutashabih verses, their scope, and interpretive approaches to ambiguous verses. This study, employing a descriptive-analytical method, re-examines and investigates the origin of ambiguity in verses, various perspectives on the scope of Muhkam and Mutashabih, interpretive approaches arising from ambiguous verses, and their underlying wisdom.

The findings indicate that ambiguity can stem from the nature and structure of the text itself, referred to as original or inherent ambiguity (taṣābuḥe asli or ṣa'ni), or it can be rooted in the perceptual, cognitive, and scientific characteristics of the audience, termed incidental ambiguity (taṣābuḥe 'araḍi). Furthermore, the number and specific instances of Muhkam and Mutashabih verses are not fixed or definitive and fluctuate according to levels of understanding and the semantic dimensions of the verses. Differences in the reception of ambiguous verses have led to the formation of approaches such as literalism, allegorical interpretation (ta'wil), and the theory of detailed explanation (tafṣil). Various viewpoints, influenced by theological, jurisprudential, and philosophical inclinations, have also emerged in defining the scope of Muhkam and Mutashabih verses. For instance, common principles of religions, verses concerning legal rulings (ayat al-aḥkām), verses pertaining to fundamental principles of the doctrine, abrogating verses (ayat al-nāsikh), stories of prophets, Muhkam verses, and those that contrast with them have been considered Mutashabih, each facing its own shortcomings and criticisms.

Additionally, wisdoms such as referring back to the Ahl al-Bayt (AS), deepening contemplation (tadabbur), testing faith, the diversity of Qur'anic expression, consideration of the audience's capacity, questioning the levels of knowledge, acknowledging the limits of human knowledge, and the unavoidable characteristics of language play a fundamental role in explaining the reasons for the existence of ambiguous verses.

Keywords

Muhkam and Mutashabih, ambiguous verses, factor of ambiguity in verses, criterion of ambiguity, wisdom of ambiguous verses, language of the Qur'an.





قرآن پژوهی (فصلنامه تخصصی)
سال پنجم / شماره ۱۶ / تابستان ۱۴۰۴
نوع مقاله: پژوهشی
<https://www.iict.ac.ir>
...

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

عباس تقویان

عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه امام صادق

Email: abbastaghavian1@gmail.com

Orcid: [0009-0000-7190-9623](https://orcid.org/0009-0000-7190-9623)

اعظم حیدری عارف

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث و کارشناسی ارشد مشاوره خانواده

Email: a.h.aref@gmail.com

Orcid: [0009-0005-4408-911x](https://orcid.org/0009-0005-4408-911x)



استناد به این مقاله:

تقویان، عباس و حیدری عارف، اعظم، (۱۴۰۴). محکم و متشابه: تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه. (e736210). قرآن پژوهی. 5(16), e736210 doi: 10.22034/qs.2025.736210
 [10.22034/qs.2025.736210](https://doi.org/10.22034/qs.2025.736210)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

یکی از مباحث بنیادین در علوم قرآن و تفسیر، مسئله محکم و متشابه است که نقش مهمی در فهم صحیح آیات و جلوگیری از برداشت‌های نادرست از متن وحی دارد. در طول تاریخ تفسیر، دیدگاه‌های مختلفی درباره ماهیت و معیار تشخیص محکم و متشابه، قلمرو آن و شیوه مواجهه تفسیری با آیات متشابه شکل گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به بازخوانی و بررسی منشأ تشابه در آیات، دیدگاه‌های مختلف درباره قلمرو محکم و متشابه، رویکردهای تفسیری ناشی از آیات متشابه و حکمت‌های وجودی آنها پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد تشابه گاه ریشه در ماهیت و ساختار متن دارد که از آن به تشابه اصلی یا شأنی یاد می‌شود و گاه در ویژگی‌های ادراکی، ذهنی و علمی مخاطبان نهفته است که تشابه عرضی نام می‌گیرد. همچنین شمار و مصادیق آیات محکم و متشابه ثابت و قطعی نیست و با توجه به سطوح فهم و ابعاد معنایی آیات، دچار نوسان می‌شود. تفاوت در دریافت از آیات متشابه سبب شکل‌گیری رویکردهایی چون ظاهرگرایی، تأویل‌گرایی و نظریه تفصیل شده است. در تعیین گستره آیات محکم و متشابه نیز دیدگاه‌های گوناگون متأثر از گرایش‌های کلامی، فقهی و فلسفی پدید آمده است؛ چنانکه اصول مشترک ادیان، آیات الاحکام، آیات مربوط به اصول اساسی مکتب، آیات ناسخ، قصص انبیا، آیات محکم و آیاتی که در مقابل آنها هستند متشابه محسوب شده‌اند که هر یک با کاستی‌ها و نقدهایی روبه‌رو شده است؛ افزون‌براین حکمت‌هایی همچون ارجاع به اهل بیت^{علیهم‌السلام}، تعمیق تدبر، آزمون ایمان، تنوع بیانی قرآن، توجه به ظرفیت مخاطب، تشکیک در مراتب معرفت، اذعان به محدودیت علمی انسان و ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر زبانی در تبیین چرایی وجود آیات متشابه نقش اساسی دارند.

واژگان کلیدی

محکم و متشابه، آیات متشابه، عامل متشابه‌شدن آیات، معیار تشابه، حکمت آیات متشابه، زبان قرآن.



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

مقدمه

واژه «محکم» برگرفته از ریشه «ح - ک - م» به معنای متقن و قطعی (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۰۲/ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۱۴۳/ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۶۵)، فرد باتجربه (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۰۲/ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۱)، علم، قضا (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۰۱) و منع کردن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۱) است؛ همچنین محکم در مقابل متشابه به کار می رود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۴).

واژه «حکم» از سوی اعراب پیش از اسلام در بسیاری از لهجه‌های منطقه شمالی و نیز زبان‌های سامی (شرقی و غربی) به کار رفته است؛ برای مثال این واژه در گویش عبرانی به معنای بازداشتن، داوری و استوار ساختن آمده و در گویش آرامی، سریانی و مندالی به معنای خردمند و دانا و در گویش عاشوری به معنای دانستن است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۸۸).

«متشابه» در لغت به معنای همانند و شبیه به هم، از ریشه «ش - ب - ه» به معنای مثل (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۵۰۳/ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۴۹) مشتق شده است. این واژه در میان زبان‌های سامی، تنها در گویش سریانی و به معنای «شبیه بودن» به کار رفته است (ر.ک: مشکور، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۴۳۰).

مفهوم اصطلاحی محکم و متشابه در قرآن، پیوسته مورد بحث و اختلاف نظر مفسران و دیگر دانشوران دینی بوده است.

محکم و متشابه؛ استواری یا تردیدآمیز بودن مراد معین برخی آیات قرآن و حکمت آن.

۱. پیشینه

گفتمان محکم و متشابه از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است؛ هرچند به طور دقیق نمی توان سرآغازی برای آن معین کرد. پیوسته پاره‌ای از تعبیرها، گنجایش احتمال‌های گوناگونی را در معنای خود داشته و برخی از آنها، به طور صریح و روشن، معنایی خاص را بیان داشته‌اند؛ چنین رویکردی را در کتاب‌های آسمانی نیز می توان یافت (ر.ک: نقوی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۲)؛ از این رو در طول تاریخ، این گونه از متون با تفسیرها و شرح‌های گوناگونی همراه بوده و

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

اندیشمندان، در پی تأویل و توجیه موارد متشابه آنها بوده‌اند.

ماده «ح - ک - م» و واژگان مشتق از آن ۱۸۹ بار و ماده «ش - ب - ه» نه بار در قرآن کریم آمده است؛ در این میان تنها آیه هفتم سوره آل عمران ناظر بر اصطلاح خاص محکم و متشابه بوده و به صراحت به آن پرداخته است؛ هرچند درباره آیه نخست سوره هود و آیه ۲۳ سوره زمر نیز در این خصوص احتمال‌هایی ذکر شده است.

آیه هفتم سوره آل عمران: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (آل عمران: ۷)، منشأ پرداختن به موضوع محکم و متشابه در روایات معصومان^{علیهم‌السلام} است؛ چنان‌که امیر مؤمنان^{علیه‌السلام} در پاسخ برخی از کفار که آیات متشابه را نمونه تناقض در قرآن می‌دانستند، به تأویل این آیات پرداخت (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۸۶)؛ افزون بر آن دامنه وجود محکم و متشابه به محتوای روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام} نیز تسری یافت (همان، ج ۲، ص ۴۱۰).

پژوهش در زمینه محکّمات و متشابهات قرآنی نیز پیشینه‌ای دیرینه داشته و در این باره، آثار گوناگونی از سوی پژوهشگران و مفسران نگارش یافته است. با گسترش مناظره‌های عقلی در سده سوم، گرایش به این حوزه خاص در تفسیر بیشتر شد (ر.ک: قسطنطنیه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۷۲۳)؛ از روند روبه‌افزایش نوشته‌ها در این زمینه، می‌توان دریافت که آیات متشابه قرآن یکی از چالش‌های کلامی در بین معتزله و اشاعره بوده است.

از سده چهارم به بعد نیز نگارش آثار مستقل ادامه یافت؛ نقطه عطف این دوره، رویکرد تفسیری اندیشمندان اسلامی نسبت به آیات متشابه بود؛ چنان‌که برای نمونه ابوعلی جبائی (م. ۳۰۳ ق.)، از پیشوایان معتزله (بروکلمان، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۱)، حسن بن موسی نوبختی (م. ۳۱۰ ق.)، متکلم امامی (شهرستانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۹۰ / شعبی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۰۱)، ابوالحسن اشعری (م. ۳۲۴ ق.)، متکلم مالکی، شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق.) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۳۵۹)، قاضی عبدالجبار اسدآبادی (م. ۴۱۵ ق.) (ر.ک: اسدآبادی، [بی‌تا]، ص ۳۷ «مقدمه»)، سیدمرتضی (م. ۴۳۶ ق.) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۱۵۴)، ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ ق.) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۶۲) و... به تفسیر آیات متشابه و پاسخ به شبهه‌های مربوط به آن پرداختند. این سیر تاکنون همچنان ادامه داشته است؛ افزون‌براین مفسران نیز در مقدمه

تفسیرهای خود، ذیل آیه هفتم سوره آل عمران (ر.ک: طوسی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۱-۳/ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶/ محلی، ۱۴۱۶، ص ۵۳) و قرآن پژوهان در کتاب‌های علوم قرآن به این بحث پرداخته‌اند (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۰۲/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۷/ معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۴۶۴-۶).

در این پیوند باید گفت که نگارش پاره‌ای آثار اولیه، به نام «متشابه القرآن» از سوی برخی از قاریان، با هدف جلوگیری از اشتباه در قرائت قرآن بوده و ارتباطی با معنای اصطلاحی محکم و متشابه ندارد؛ زیرا در آن به آیاتی که با اندکی ناهمسانی تکرار شده و اشتباه حافظان و قاریان را در پی داشت توجه گردیده است (کسایی، ۱۴۱۸، ص ۴۰/ ابن منادی، ۱۴۱۴، ص ۵۹-۶۰)؛ از این رو در این آثار، آیاتی را که واژگان آن تکرار نشده، محکم و آیاتی را که کلماتش تکرار شده است، متشابه می‌نامیدند (ماوردی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۹/ طوسی، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۹۵/ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹).

خاورشناسان نیز باتوجه به آیه هفتم سوره آل عمران به موضوع آیات محکم و متشابه در قرآن پرداخته‌اند؛ هرچند به نظر می‌رسد که برخی از اصطلاح‌های قرآنی همچون، محکم، متشابه، مبهم، تکرار لفظی، ناسخ و منسوخ و حلال و حرام را به اشتباه با هم در آمیخته‌اند؛ آنان همچنین به دلیل ناآشنایی با چرایی متشابه دانستن همه آیات یا محکم دانستن تمامی آنها، این مهم را نقض آشکاری بر وجود محکم و متشابه پنداشته‌اند (see: Kinberg, 2006, 1, pp. 70-76)؛ حال آنکه چگونگی و علت آن، در منابع قرآنی بیان شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۰۲/ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۱/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۲).

با بررسی جستارهای تفسیری مفسران و اندیشوران پیشین و معاصر علوم قرآنی، می‌توان دریافت که این کاوش‌ها معطوف به شناخت آیات متشابه از جنبه هستی، چیستی و چرایی و به تعبیر امروزی، از جنبه هستی‌شناختی (Ontologic)، معناشناختی (Semantic) و توجیه منطقی (Logic) بوده است. در پژوهش‌های گونه نخست، تلاش گردیده تا احکام وجودشناختی آیات متشابه به لحاظ مصداق‌ها بیان شود و در مطالعات گونه دوم و سوم، کوشیده شده است تا همراه با تفسیر و رمزگشایی آیه‌های متشابه، منطق و حکمت وجود آن در قرآن تبیین شود.

۲. عوامل و گونه‌شناسی متشابه

گروهی از قرآن‌پژوهان، تشابه را به دو گونه اصلی و عرضی تقسیم کرده‌اند؛ تشابه، گاه در ماهیت متن ریشه دارد؛ زیرا متن به‌گونه‌ای است که زمینه تشابه را فراهم می‌کند و البته درعین حال قابل درک است؛ مانند مواردی که محدودیت واژگان و کوتاهی یا بلندی کلام، زمینه‌ساز تشابه باشد. از این تشابه به تشابه شأنی، نوعی یا اصلی نیز یاد می‌شود (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶-۲۷۷).

تنوع در متن از آنجا ناشی می‌شود که هدایت دینی، ویژه گروهی خاص از مردم نیست؛ زیرا همه گروه‌ها و طبقات را دربر می‌گیرد اختلاف سطح افکار مردم از یک‌سو و فراگیر بودن هدایت نسبت به همه از دیگرسو (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۰-۶۱)، موجب بروز چنین تنوعی است. توضیح آنکه انتقال مفاهیم عالی و معنوی قرآن به انسان جز از راه واژگان و عبارتها امکان‌پذیر نیست؛ حال آنکه الفاظی که به‌طور محسوس برای عموم مردم فهمیدنی باشند دربرگیرنده همه محتوا و معنای موردنظر نیستند؛ این خود موجب بروز تشابه است، ولی در بسیاری از موارد، تشابه به خاطر متن نیست، بلکه ریشه در چگونگی ادراک، میزان قابلیت علمی، باورها و ذهنیت مخاطبان دارد؛ ازاین‌رو شاید متن قرآن در گذر زمان از نگاه مخاطبان گوناگون دستخوش تشابه شود؛ چنین تشابهی در روایتی از امام صادق علیه السلام مورد اشاره قرار گرفته و آن حضرت آیاتی را متشابه دانسته‌اند که معانی آن برای کسانی که آن آیات را نمی‌فهمند مشتبه است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۲/ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۷)؛ برابر این روایت، برخی آیات از نگاه گروهی از مخاطبان متشابه می‌شوند که از آن، گاه به تشابه عرضی نیز یاد می‌شود؛ مانند آیاتی که فهم آن پس از پیدایش مباحث جدلی کلامی و رواج دیدگاه‌های فلسفی، برای گروهی از مخاطبان مشتبه گردید و آیاتی که پیش‌تر برای مخاطبان عصر نزول، محکم تلقی می‌شد، درزمره متشابها درآمد (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹-۲۹۴)؛ ازاین‌رو چه‌بسا آیه‌ای نزد معتزله، متشابه بوده و همان آیه درنظر اشاعره محکم به‌شمار می‌رفت؛ مانند آیاتی که ظاهر آن بیانگر جبر بوده و معتزله آنها را درزمره متشابها و اشاعره در شمار محکومات قرآن می‌دانستند (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۶-۴۶۴).

۳. معنا و محدوده آیات محکم و متشابه

در قرآن، مصداق‌ها و شمار آیات محکم و متشابه روشن نیست؛ گروهی تعداد آیات متشابه را در شماری ویژه محدود کرده‌اند؛ برای نمونه قاضی عبدالجبار اسدآبادی در متشابه القرآن به تفسیر ۸۷۵ آیه به عنوان متشابه پرداخته (ر.ک: اسدآبادی، [بی تا]، ص ۷-۷۰۹) و سیوطی پانصد آیه را در شمار آیات متشابه بیان کرده است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۶۰۱-۶۲۰)؛ همچنان که گروهی نیز آیات متشابه را کمتر از دویست آیه دانسته‌اند (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۴)، اما این تلاش‌ها سودمند نبوده است؛ زیرا تعیین شماری خاص برای آیات متشابه؛ مانند تعیین سطحی ثابت و مشخص برای عقل و استعداد آدمی به نظر می‌رسد؛ حال آنکه این مهم به دانش تفسیر و معناشناسی محکم و متشابه، تأویل و نیز مذهب کلامی و فقهی مفسر بستگی دارد؛ از این رو درباره شمار آیات متشابه نمی‌توان نظر قطعی ارائه کرد، بلکه به لحاظ افراد و ابعاد آیات، تعداد متشابهات در نوسان خواهد بود.

درباره تفسیر گستره محکم و متشابه در قرآن دیدگاه‌های گوناگونی، با تأثیرپذیری از پاره‌ای روایات و گرایش‌های کلامی، فقهی و فلسفی بیان شده است:

۱. آیات الاحکام: برابر روایتی از مجاهد درباره آیه هفتم سوره آل عمران، محکم، آیات الاحکامی است که مفاد آن درباره حلال و حرام باشد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۵/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۲)، ولی چنانچه محکّمات، تنها در بردارنده آیات الاحکام باشد، بقیه آیات قرآن را باید از متشابهات دانست؛ در این صورت، جز آیات الاحکام، معارف قرآنی دیگر دریافت‌پذیر نخواهند بود؛ زیرا در میان این آیات، آیه‌های محکم وجود ندارد تا متشابهات به آنها بازگردانده و تبیین گردند (طباطبایی، ۱۴۲۳، ص ۷۳/ همو، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۵-۳۶).

۲. اصول مشترک ادیان: با توجه به روایاتی از ابن عباس، آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام و نیز آیه‌های ۲۳ تا ۲۵ سوره اسراء در شمار محکّمات هستند (ر.ک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۹۲)؛ این دیدگاه همچنین از سوی برخی از مفسران نیز پذیرفته شده است (نحاس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۴۴). از آنجاکه مسائل مورد توجه در آیات یادشده، همانندی‌های بسیاری داشته و امور و اصولی مشترک در میان انبیا را بیان می‌کنند که با آمدن هر شریعت تکرار می‌شوند، این

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

آیات، محکم نام گرفته‌اند. ازسوی دیگر، حروف مقطعه قرآن به‌عنوان متشابه یاد شده‌اند؛ زیرا یهودیان می‌کوشیدند تا با بهره‌مندی از این حروف و تأویل آن به حساب جُمَّل (حساب ابجد) مدت بقای امت اسلام را استخراج کنند که در این باره چهار اشتباه شدند (مقاتل بن سلیمان، ۴۲۳، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۴).

علامه طباطبائی مدعای پیش‌گفته را سخنی بی‌دلیل دانسته است؛ چراکه لازمه پذیرش آن، وجود آیاتی است که نه محکم باشند و نه متشابه که این نیز با ظاهر آیه هفتم آل‌عمران ناسازگار است. از نگاه وی، اسناد سخن یادشده به ابن عباس نادرست است؛ زیرا او تنها در پی بیان این نکته بوده است که آیات مزبور در شمار آیه‌های محکم هستند؛ نه اینکه آیات محکم منحصر در این چند آیه باشد؛ بنابراین معرفی این آیات، تنها برای مثال بوده است (طباطبائی، ۱۴۲۳، ص ۷۰/ همو، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲-۳۳).

۳. ناسخ و منسوخ: در دیدگاهی دیگر که به ابن عباس، ابن مسعود و شاگردان وی، همچون مرّه همدانی (م. ۷۶ ق.) و قتاده (م. ۱۱۷ ق.) نسبت داده شده است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۵/ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۱۰)، آیات ناسخ (آیاتی که حکم پیشین در آیه‌ای را رفع می‌کنند)، محکم نامیده شده و آیات منسوخ - که البته تعدادشان اندک است - متشابه معرفی شده‌اند؛ زیرا ناسخ، مورد ایمان و عمل و منسوخ، تنها مورد ایمان بوده و قابل عمل نیست؛ چنان‌که این دو ویژگی را از آیه هفتم سوره آل‌عمران می‌توان دریافت (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۷۵-۱۷۶).

به باور گروهی از مفسران نمی‌توان آیه‌های متشابه را در آیات نسخ‌شده منحصر دانست (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۰۴)؛ زیرا ویژگی‌هایی چون در پی داشتن فتنه و تأویل را که خداوند برای آیات متشابه یادآور شده است، در بسیاری از آیات غیر منسوخ؛ مانند آیات صفات و افعال خداوند نیز می‌توان یافت؛ از این رو به‌نظر می‌رسد که ابن عباس تنها در مقام بیان مثال بوده است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۴)؛ چراکه او خود در بیانی دیگر افزون‌بر آیات منسوخ، موارد دیگری را به‌عنوان مصداق متشابه یادآور شده است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۵/ سیوطی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴)؛ افزون‌بر این چنانچه ناسخ و منسوخ همان محکم و

متشابه باشند، لزومی ندارد چنان‌که در روایات (نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۸۲/ طبری امامی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۳/ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۹۴) آمده است، به‌طور جداگانه نسبت به شناخت هریک دستور داده شود.

۴. حروف مقطعه: درباره حروف گسسته قرآن دو دیدگاه وجود دارد؛ باتوجه به روایات موجود از ابن عباس (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۴۰)، جابر بن عبد الله انصاری (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۶) و کلبی (هواری، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۲۶۷/ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۸) و نیز رویکرد گروهی همچون مقاتل بن حیان (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۹۴/ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۶۴/ فراء، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۹۰)، بسیاری از مفسران بر این باورند که گسسته‌های یادشده از حروف متشابه هستند؛ آنان همچنین درباره چگونگی این حروف و امکان تفسیرشان، دیدگاه‌های گوناگونی را ارائه نموده‌اند (← مقاله حروف مقطعه).

به‌رغم دیدگاه پیش‌گفته از ابوفاخته، یکی از یاران امام باقر^ع، بازگو شده است که تنها حروف مقطعه، محکّمات و ام‌الکتاب بوده و آیات قرآن برگرفته از آنهاست (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۷/ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۰۱). این سخن، ایجاب می‌کند که غیر از حروف مقطعه «فواتح سور» همه آیات قرآن متشابه باشد؛ هرچند به‌باور گروهی از مفسران، این دیدگاه نیز پذیرفتنی نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۳).

۵. هنگام رستاخیز و نشانه‌های آن: به‌گفته برخی از قرآن‌پژوهان و مفسران، جابر بن عبد الله انصاری (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۷/ ماوردی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۹/ طوسی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۹۵/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۰۰)، شعبی و سفیان ثوری (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۰۱/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۹-۱۰)، زمان قیامت و برخی نشان‌های روز رستاخیز را از متشابهات دانسته‌اند؛ برابر این دیدگاه، محکّمات، آیاتی هستند که پی‌بردن به آنها از راه دلیل امکان‌پذیر بوده و معنا و تفسیرشان را می‌توان دریافت، اما متشابهات، آیاتی هستند که فهمیدن آن برای کسی امکان‌پذیر نیست (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۳)؛ مانند هنگام برپایی رستاخیز (اعراف: ۱۸۷/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۳) و زمان خروج یاجوج و ماجوج (انبیاء: ۹۶) و دابة الارض (جنبده‌ای از زمین) (نمل: ۸۲)؛ توجه به مثال‌های یادشده از سوی

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

جابر نشان می‌دهد که مراد وی از تشابه این آیات، دانستن زمان وقوع خارجی مدلول آن است، نه معنای ظاهری آیه‌ها.

برخی مفسران بر این باورند که این دیدگاه نیز درست نیست؛ زیرا آیات قرآن به معارفی همچون زمان برپایی روز رستاخیز که درک آن برای بشر امکان‌پذیر نیست، نپرداخته‌اند تا بتوان آن را متشابه نامید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۵).

۶. وحدت یا کثرت تأویل: گروهی نیز بر این باورند که محکم، به آیاتی گفته می‌شود که تنها یک تأویل در آنها راه دارد و متشابه، آیاتی است که تأویل‌های متفاوتی در آن راه دارد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۵-۱۱۶/زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۰)؛ باتوجه به اینکه قرآن پژوهان پیشین، تفسیر و تأویل را یکسان می‌شمردند (← مقاله تأویل)، برابر دیدگاه یادشده، آیاتی که تنها دارای یک تفسیر هستند، محکم بوده و آیاتی که می‌توان چندین تفسیر برای آن ارائه نمود، متشابه هستند که با مراجعه به محکومات، گزینش تفسیر صحیح امکان‌پذیر خواهد بود.

۷. قصص انبیا: به باور جمعی از پژوهشگران و مفسران، آیات مرتبط با قصص انبیا و امت ایشان که به تفصیل بیان شده‌اند، در شمار آیه‌های محکم هستند، اما آیاتی که در همین خصوص نازل شده و به سبب تکرار در سوره‌های مختلف، مشتبه گردیده است، متشابه خواهند بود؛ برای مثال آیات مربوط به قصص پیامبر اسلام ﷺ و حضرت نوح ﷺ که در ۲۴ آیه آمده، آیات محکم و آیه‌های مربوط به داستان حضرت موسی ﷺ که در موارد زیادی تکرار گردیده، آیات متشابه هستند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۶).

به باور گروهی از مفسران در انتقاد به دیدگاه پیش گفته، انحصار آیات محکم یا متشابه در آیات قصص انبیا توجیه‌ناپذیر است؛ زیرا ویژگی‌هایی که در خود قرآن برای آیات محکم و متشابه و انگیزه تأویل آن (فتنه‌جویی) ارائه شده‌اند، در مواردی جز آیات قصص نیز وجود دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۶).

۸. آیات صفات: به باور برخی از قرآن پژوهان، همچون ابن تیمیه، آیات مرتبط با صفات خدا متشابه هستند (ر.ک: ابن تیمیه، ۱۴۲۶، ج ۱۷، ص ۴۲۳-۴۲۵/ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳،

ص ۳۷/ حسینی میلانی، ۱۴۱۹، ص ۸۱؛ سیوطی نیز پس از بیان دیدگاه‌های مختلف در زمینه محکم و متشابه، صفات خداوند را از نمونه‌های آیات متشابه دانسته است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۶۰۱-۶۱۰). در نقد این دیدگاه نیز می‌توان گفت چنانچه پذیرفته شود که همه آیات صفات، متشابه هستند، باز هم دلیلی مبنی بر انحصار آیات متشابه در این خصوص وجود ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۷).

۹. معنای ظاهری و تأویلی: گروهی از قرآن‌پژوهان معتقدند محکم، آیاتی است که معنای ظاهری آن مورد نظر باشد و متشابه به آیه‌هایی گفته می‌شود که مفهوم ظاهری آن منظور نیست؛ از نگاه آنان تأویل آیات متشابه، عبارت از معنایی مخالف با ظاهر کلام است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۸/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۳-۴۳۴/ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۰). برخی در نقد دیدگاه یادشده، بر این باورند که در قرآن، آیه‌ای نیست که معنای ظاهری آن منظور نبوده و خلاف ظاهر آن مراد باشد؛ به فرض اینکه خلاف آن هم اگر مراد باشد؛ بر اساس آیات محکمی است که به آن ارجاع داده می‌شود؛ همچنین باتوجه به اینکه تمامی اجزای قرآن، به هم ارتباط داشته و برخی از آنها برخی دیگر را تفسیر می‌کنند و نیز آفریدگاری آن را ارائه کرده است که روشی این‌گونه دارد؛ بنابراین نمی‌توان چنین معنایی را خروج از ظهور و مخالفت با آن دانست؛ افزون‌براین تأویل، به معنای متشابه مربوط نیست تا وجود آن سبب تمایز متشابه از محکم باشد، بلکه منظور از تأویل در آیه شریفه، مفهومی فراگیر است که هردو دسته آیات محکم و متشابه را دربرمی‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۸).

۱۰. قرآن پیش‌ازنزل و پس‌ازنزل: یکی از مفسران معاصر باتوجه به مفهوم محکم (ثابت، کلی و نامتغیر) قرآن پیش‌ازنزل را محکم و قرآن پس‌ازنزل را متشابه دانسته است؛ وی بر این باور است که قرآن قبل‌ازنزل، جایگاهی والا داشته و به‌گونه زبانی خاص نبوده است تا دگرگونی، تشابه و تنوع در آن راه یابد (طالقانی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۹-۲۰). گروهی از اندیشمندان انگاره پیش‌گفته را مورد نقد قرار داده‌اند؛ از نگاه ایشان، در این دیدگاه، تشابه اصطلاحی و تشابه به معنای هماهنگی و یکسان بودن با یکدیگر اشتباه شده‌اند؛ همچنین باتوجه به آیه هفتم سوره آل عمران، دودسته شدن آیات به

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

محکم و متشابه به همین قرآن نازل شده مربوط بوده و پیوندی با دو وجود عرشی و فرشی قرآن ندارد (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۲۸۳-۲۸۴).

۱۱. اصول اساسی مکتب: به باور گروهی از قرآن پژوهان، محکّمات، اصول اساسی و دیدگاه‌های کلی مکتب است؛ مانند اصل هدایت و زوال باطل که حقایقی پایدارند، اما متشابهات، خود، اصل نبوده و درواقع راهکاری برای اجرایی شدن محکّمات‌اند؛ ازاین‌رو همیشه درحال تغییر و تحول‌اند؛ متشابهات، در حوزه علوم قرار گرفته‌اند و پیشرفت علوم طبیعی، سیاسی و اقتصادی باعث قبض و بسط متشابهات می‌گردد، بلکه ممکن است در آینده ضداً ارزش و ارتجاعی به‌شمار آیند؛ بنابراین همه آیات الاحکام — چه ناسخ و چه منسوخ — متشابه بوده و نقش کاربردی و مرحله‌ای را ایفا می‌کنند؛ بدین ترتیب باب نسخ در احکام قرآن همچنان باز است (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۸، ص ۲۸۴-۲۸۵).

این دیدگاه اصول و قواعد شریعت و فروع مربوط به آن را با محکّمات و متشابهات قرآنی اشتباه گرفته است؛ همچنین به این نکته نیز توجه نشده است که تغییر برخی از امور بر اثر تحولات، به معنای تغییر و تحول در احکام قرآن نیست و اساساً در این کتاب آسمانی، حکمی که تغییرپذیر باشد وجود ندارد و قرآن با تمام محتویات آن، کتابی جاودانه است (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۲۸۵).

۱۲. صراحت محکّمات و تردیدپذیری متشابهات: علامه طباطبائی بر این باور است که محکّمات، آیاتی هستند که در معنای خود صریح و متقن بوده و خواننده بدون تردید و اشتباه به معنای آن پی می‌برد؛ این‌گونه آیات در بین خود هیچ اختلافی نداشته و مرجع آیات متشابه‌اند؛ وی همچنین پس از بررسی معانی گوناگون تشابه، متشابهات قرآنی را آیاتی می‌داند که شنونده، همزمان با خواندن و شنیدن آنها، نمی‌تواند منظور آن را درک نموده و در چگونگی معنای آن دچار تردید می‌شود؛ این‌گونه از آیات تا به آیه‌های محکم ارجاع داده نشوند، تردید مخاطبان زدوده نمی‌شود؛ زیرا آیات محکم به خودی خود محکم بوده و آیات متشابه با استناد به آنها، محکم می‌شوند؛ بنابراین محکّمات در بردارنده اصول قطعی و تردیدناپذیر هستند، اما آیات متشابه در شمار معارف فرعی قرآن قرار دارند؛

برای نمونه در آیه چهاردهم سوره فجر «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» فهم عادی انسان‌ها از تعبیر درک‌مین‌بودن خدا همان معنایی را درمی‌یابد که از درک‌مین‌بودن یک جاندار می‌توان دریافت، اما با مراجعه به آیاتی که به اصول معارف اسلام مربوط هستند، این اشتباه و تردید زدوده می‌شود. حوزه دیگر از محک‌مات و متشابهات دربردارنده قوانین اجتماعی و احکام فرعی است و از آنجا که مصلحت‌های باعث تشریع احکام، تغییرپذیرند و قرآن نیز نزول تدریجی داشته است، آیات مربوط به قوانین اجتماعی و احکام فرعی دستخوش تشابه و ناسازگاری خواهد شد که با مراجعه به آیات محکم، این تشابه و ناسازگاری از بین می‌رود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۰-۲۳).

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه علوم قرآنی نیز می‌توان دریافت که قرآن‌پژوهان، محک‌مات و متشابهات را به گونه‌ای خاص از معارف و احکام منحصر نکرده و بلندی معارف الهی و سطح مخاطبان، به‌ویژه مخاطبان معاصر نزول را، در ایجاد متشابهات اصلی دخیل دانسته‌اند؛ چنان‌که تفاوت‌های کلامی و مذهبی مسلمانان در شکل‌گیری متشابهات عارضی تأثیرگذار بوده است (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۳-۲۴/ همو، ۱۳۷۸، ص ۳۷۳-۳۷۴). در نتیجه این دیدگاه امکان وجود آیات متشابه (در تشابه اصلی) و بروز آیات متشابه (در تشابه عارضی) را در هر موردی، خواه عقاید و اخلاقیات و خواه احکام که زمینه آن وجود داشته باشد، منتفی نمی‌داند.

۴. دریافت‌های متفاوت صاحب‌نظران از آیات متشابه

شیوه برخورد مفسران و اندیشمندان کلامی با آیات متشابه یکسان نیست. پیش از شروع کشمکش‌های کلامی، بیشتر مسلمانان به ظواهر واژگان توجه داشته و به آن بسنده می‌نمودند؛ از این رو، آنان از شبهه‌هایی که در دوره‌های بعد پدید آمد مصون ماندند (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵۳). منشأ بروز دریافت‌ها و تلقی‌های گوناگون از آیات متشابه در پاسخ به این پرسش اساسی بود که آیا قرآن می‌تواند حاوی نکات و دستورهای غیرقابل فهم برای مخاطبان باشد؟ در پاسخ به این پرسش، بسیاری از صاحب‌نظران نفهمیدن و دریافت نکردن مراد واقعی را

معکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

امکان‌پذیر دانسته و بر این باور بودند که واژگان متشابه باید به معنای ظاهری خود لحاظ شوند؛ از نگاه آنان چشم‌پوشی از ظاهر آیه، هرچند با قواعد عقلی ناسازگار باشد، جایز نیست؛ چراکه در این صورت، تقدیس ذات و صفات خداوند مراعات نمی‌شود (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۱۸۹/ صدر المتألهین، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۵۰/ همو، ۱۳۶۰، ص ۵۸).

در این میان، کرامیه معنای ظاهری صفات را اثبات نموده و به تجسیم و تشبیه معتقد شدند (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵۴). بیشتر متکلمان اشاعره نیز به تفصیل گرویدند؛ زیرا نسبت به برخی از آیات، روش تأویل و نسبت به برخی دیگر روش حمل بر ظاهر را در پیش گرفتند؛ برای مثال صفات را تأویل کرده و ذات حق را از ظواهر امکانی منزّه دانستند، اما متشابهات مربوط به معاد را به معنای ظاهری خود لحاظ نمودند.

عموم متکلمان معتزله، واژگان متشابه را تأویل نموده، به معنایی لحاظ می‌کردند که با قواعد عقلی سازگار است (ر.ک: تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۵۰/ صدر المتألهین، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۵۰)؛ آنان ذات مقدس الهی را برخلاف دیگران به صفات آفریدگان تشبیه نمی‌کردند (ر.ک: شهرستانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۹۲)؛ برای نمونه قاسم بن ابراهیم رسی (م. ۲۴۶ ق.) متشابه را فرعی می‌دانست که باید به اصل بازگردانده شود (رسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۳۲)؛ وی در بحث اسباب و علل تشبیه، مشبّهه را ملحدانی می‌دانست که به متشابهات قرآن استناد جسته‌اند؛ از این رو آنان را همچون یهودیان و مسیحیان، تحریف‌کنندگان کلام خدا به‌شمار می‌آورد (همان، ص ۵۸۵-۵۸۸).

امامان شیعه علیهم‌السلام با توجه به آیات صفات، این باور را ترویج نمودند که خداوند نه جسم بوده و نه دارای ویژگی‌های جسمانی است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۵۸). از خطبه نخست حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌توان دریافت که مبادی صفت را نباید قرین ذات خداوند دانست (همان، ج ۱، ص ۷۴-۷۵/ معرفت ۱۳۷۸، ص ۲۹۷). همواره روش متداول دانشوران مذهب امامیه این بود که با پالایش واژگان از ویژگی‌های زائد و حمل آن به معنای مناسب، آیه‌های متشابه را تفسیر کنند؛ از این منظر اساساً تشابه، هنگامی بروز می‌کند که نتوان رابطه حکم و موضوع را درک کرد. مفاهیمی همچون استواء، رؤیت، وجه، لوح، قلم، عرش، کرسی و صدها

مفهوم متشابه دیگر، هنگامی که درباره خداوند به کار می‌روند، باید بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های مادی فهمیده شوند. به تعبیر صدر المتألهین، علمای ربانی، بی درافتادن در ورطه تشبیه و تجسیم یا دچار تأویل شدن به معنای حمل لفظ بر معنای مجازی، از محسوس به معقول سفر کرده و مراد متشابهات را در می‌یابند (صدر المتألهین، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۵۰-۱۵۲).

۵. عالمان به تأویل آیات متشابه

اینکه علم به تأویل آیات متشابه را کسی جز خدا نمی‌داند یا اینکه برای غیر خدا نیز مقدور است، به چگونگی تفسیر و ترکیب نحوی آیه هفتم سوره آل عمران: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا» بر می‌گردد. در این آیه کارکرد حرف «واو» و استیناف بودن یا عاطفه بودن معنای آن مورد بحث است. در فرض نخست، علم تأویل متشابه را تنها خدا می‌داند، اما در فرض دوم، علم به تأویل برای غیر خدا نیز امکان‌پذیر است (ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۸/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۴). در هر دو صورت، بی تردید، تأویل، دانشی متمایز و ویژه بوده و همچون تفسیر در دسترس همگان نیست. به یاری روایات می‌توان آموزه دوم را باورپذیرتر دانست؛ زیرا از لحن مجموعه روایاتی که به چگونگی قرائت آیه مزبور پرداخته‌اند، می‌توان دریافت که معنای متشابه امکان‌پذیر بوده و راسخان در علم، تأویل صحیح متشابه را می‌دانند و معصومان علیهم‌السلام نمونه بارز و کامل راسخان در علم هستند (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۸/ حویزی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۵؛ ← مقاله‌های تأویل؛ جری و تطبیق).

۶. فواید و حکمت وجود متشابهات

برابر روایاتی از معصومان علیهم‌السلام یکی از فواید وجود متشابه در قرآن، مراجعه مردم به اهل بیت علیهم‌السلام است. در روایتی از امیر مؤمنان علیه‌السلام معارف قرآن به سه دسته قابل فهم برای عموم مردم، قابل فهم برای صاحبان قلب‌های پاک و قابل شناخت برای خدا، رسول و راسخان تقسیم شده‌اند که متشابهات، در دسته سوم جای می‌گیرند و فایده آن، مراجعه مردم به

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

اهل بیت علیهم السلام و راسخان در علم دانسته شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۶).

باتوجه به دیدگاه‌های مربوط به محکم و متشابه، چنین به نظر می‌رسد که نخستین گفت‌وگوها درباره حکمت وجود آیات متشابه در قرآن، تلاشی متکلمانه بود که از یک‌سویه پرسش‌های نکوهش‌آمیز ملحدان پاسخ می‌داد و ازسوی دیگر در فزونی معرفت و ایمان مسلمانان نیز کارساز بود؛ ازاین‌رو برخی از متکلمان، فلسفه وجودی این آیات را زمینه‌سازی برای شناخت عمیق‌تر نسبت به معارف الهی و موجب تقویت نیروی خرد دانسته‌اند؛ همچون معلمی که با عرضه مسائل دشوار و پیچیده بر شاگردان، زمینه رشد و باروری اندیشه آنان را فراهم می‌سازد (ابن قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ص ۵۷-۵۸/ قاضی عبدالجبار اسدآبادی، [بی‌تا]، ص ۵۷/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۴۲)؛ بدین ترتیب متشابهات نیز دارای چنین کارکردی بوده و اندیشه‌ها را به چالش می‌کشند؛ درعین حال، آیات متشابه در پرتو محکّمات قرآن، قابل فهم‌اند (قاضی عبدالجبار اسدآبادی، ۱۹۶۵، ج ۱۶، ص ۳۷۴-۳۷۵).

مفسران و قرآن‌پژوهان نیز درباره حکمت وجود متشابه، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ ازجمله اینکه انگیزه وجود متشابهات، زمینه‌سازی برای تدبّر، رشد و تعالی انسان‌هاست (طوسی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۰-۱۱/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۰۲/ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۸-۵۹۹) و از آنجاکه شناخت آیات متشابه دشوار است، مردم از رهگذر فهم آنها جایگاه و مقام والایی می‌یابند؛ زیرا بهترین ثواب اعمال، از آن دشوارترین آنها خواهد بود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۸/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۴۱/ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۵). برخی نیز بر این باورند که محکم و متشابه، تجلی دو سبک بیانی هستند: سبکی صریح و تأویل‌ناپذیر و سبکی آمیخته با صناعات ادبی و آرایه‌های لفظی رایج در زبان عربی (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ص ۵۸/ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳/ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۵۹). همچنین از نگاه گروهی دیگر، وجود واژگان و آیات متشابه، برای آزمودن و متمایز کردن اهل ایمان از دیگران است؛ زیرا با محک متشابهات، کسانی که مؤمنانه و متعبدانه تسلیم می‌شوند از کسانی که آیات را سازگار با خواست خود تأویل می‌کنند، جدا خواهند شد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۸/ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۵/ جفری، ۱۳۹۲،

ص ۱۷۹)؛ جمعی دیگر نیز معتقدند وجود متشابهات باعث اندیشه‌ورزی و بازداشتن از سطحی‌نگری و عوام‌زدگی بوده (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۹/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۶) و نشانگر طراوت و تازگی همیشگی قرآن است؛ چراکه به یاری متشابهات، حکمت‌ها و فواید قرآن پایان نمی‌پذیرد (جفری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰).

به باور گروهی از قرآن‌پژوهان معاصر حکمت وجود متشابهاتی همچون زمان رویداد رستخیز که دانش آنها تنها نزد خداوند است، عبارت از درنظرگرفتن گنجانش مخاطب، آزمایش بندگان، بیان تشکیکی معارف، اعتراف بندگان به ناتوانی علمی و ایجاد تکثر فکری است که با دقت نظر و تدبیر، یا با افاضه خداوند بر قلب اهل معرفت قابل درک است و می‌تواند با وجود اختصار، ایجاز و اعجاز ادبی، زمینه تدبیر و شکوفایی خرد و سخت‌کوشی علمی و عملی بندگان را فراهم آورد (ر.ک: رشیدرضا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۷۲/ زرقانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۷۷-۱۷۹).

بعضی از مفسران وجود محکم و متشابه را امری ناگزیر و وابسته به ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر واژگان تلقی نموده‌اند؛ چراکه القای مفاهیم و معانی به انسان، جز از راه معلومات ذهنی امکان‌پذیر نیست؛ ازاین‌رو تفاوت‌های موجود در سطح افکار و عمومیت هدایت، باعث می‌شود تا گزاره‌های قرآنی در چهارچوب امثال بیان گردیده و با گزینش و ارائه مفاهیمی که انسان با آنها آشناست، آن دسته مفاهیم نامحسوس و وحی که نامعلوم است، برایش تبیین و مجسم شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۰-۶۴).

حکمت‌های دیگری نیز در این باره بیان شده است که به گونه‌ای با مباحث پیش گفته پیوند دارد؛ برای نمونه جمعی از قرآن‌پژوهان، وجود واژگان و آیه‌های متشابه را امتیازی برای دانشوران دانسته‌اند؛ زیرا ناآگاهان، از تحلیل این آیات ناتوان‌اند (ابن‌قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ص ۵۸/ قاضی عبدالجبار اسدآبادی، [بی‌تا]، ص ۲۵ «مقدمه»/ طوسی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۹۶/ ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳)؛ یا اینکه باعث تشویق مردم به آموختن دانش‌های گوناگون (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۸/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۸۶) شده و ضامن جاودانگی قرآن خواهد بود (معرفت، ۱۴۲۴، ص ۳۹۴).

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

عارفان نیز در تبیین حکمت وجود متشابهات بر این باورند که باتوجه به متفاوت بودن مراتب و درجات احوال سالک به سوی خدا، آیات قرآن نیز متناسب با مراتب و مراحل سیر تحول نفس نازل گردیده است؛ قرآن باتوجه به درجات علمی مخاطبان با آنان سخن گفته است؛ چنان که در رابطه با رؤیت و چگونگی درک خداوند، گروهی را با «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام: ۱۰۳) و گروهی را با بیان «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (قیامت: ۲۲-۲۳) مورد خطاب قرار داده است؛ همچنان که گروهی را با «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ» (انعام: ۱۰۰) و بعضی را با ندای «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ فَوْقَ أَيِّدِهِمْ» (فتح: ۱۰) و مانند آن مخاطب ساخته است؛ افزون بر آن، گروهی دیگر از مخاطبان که بنا بر سیر و سلوک خود، به جایگاهی بالاتر دست یافته و به مقام کشف و شهود نایل آمده اند، با گزاره هایی چون «وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ» (تکویر: ۲۳) مورد خطاب قرار گرفته اند (ر.ک: ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴ / ابن عربی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۱-۷۵ / صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۶۹-۱۶۲).

نتیجه

۱. تشابه، یا در ماهیت و ساختار متن ریشه دارد؛ یعنی متن به گونه ای است که زمینه تشابه را فراهم می کند که به آن تشابه شائی، نوعی یا اصلی می گویند؛ گاه نیز در چگونگی ادراک، میزان قابلیت علمی، باورها و ذهنیت مخاطبان ریشه دارد که از آن به تشابه عرضی یاد می شود.
۲. مصداق ها و شمار آیات محکم و متشابه در قرآن روشن نیست و درباره شمار آیات آن نمی توان نظر قطعی ارائه کرد، بلکه به لحاظ افراد و ابعاد آیات، تعداد متشابهات در نوسان خواهد بود.
۳. ملاک دانستن معنای ظاهر و قول به تجسیم و تشبیه، تأویل گرایی و نظریه تفصیل در برداشت ظاهری یا تأویلی از آیات از جمله رویکردهایی است که بر اثر دریافت های متفاوت از آیات متشابه ایجاد شده است.
۴. دیدگاه های متعددی در گستره آیات متشابه از سوی صاحب نظران باتوجه به تأثیرپذیری از پاره ای روایات و گرایش های کلامی، فقهی و فلسفی مطرح شده است؛

چنانکه اصول مشترک ادیان، آیات الاحکام، آیات مربوط به اصول اساسی مکتب، آیات ناسخ، آیاتی که معنای ظاهری آن مورد نظر باشد، قصص انبیا و آیاتی که تنها یک تأویل دارند آیات محکم شمرده شده‌اند و آیات مقابل آنها و همچنین آیات صفات یا حروف مقطعه از متشابهات خوانده شده‌اند.

۵. مراجعه مردم به اهل بیت، زمینه‌سازی برای شناخت و تدبر عمیق‌تر نسبت به معارف الهی و تعالی انسان‌ها، تجلی دوسبک بیانی، آزمایش بندگان و متمایز نمودن اهل ایمان از دیگران، در نظر گرفتن گنجانش مخاطب، بیان تشکیکی معارف، اعتراف بندگان به ناتوانی علمی و ایجاد تکثر فکری، توجه به تفاوت مراتب و درجات احوال سالک به سوی خدا و ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر زبانی از جمله حکمت‌هایی است که برای وجود آیات متشابه مطرح شده است.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن؛ الذریعة الى تصانیف الشیعة؛ بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین؛ شرح نهج البلاغة؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ دار إحياء الكتب العربیة، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن ابی حاتم)؛ تحقیق اسعد محمد طیب؛ بیروت: مكتبة العصریة، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن تیمیة، احمد بن عبدالحلیم؛ مجموع الفتاوی؛ تحقیق انوار الباز و عامر جزار؛ دارالوفاء، ۱۴۲۶ق.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ زادالمسیر فی علم التفسیر؛ تحقیق عبدالرزاق مهدی؛ بیروت: دارالكتاب العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ متشابه القرآن و مختلفه؛ قم: انتشارات بیدار، ۱۴۱۰ق.
۷. ابن عربی، محمد بن علی؛ الفتوحات المکیة؛ تحقیق عثمان یحیی؛ مصر: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۸. ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب؛ المحرر الوجیز فی تفسیرالكتاب العزیز؛ تحقیق عبدالسلام محمد؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۹. ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مكتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ابن قتیبة دینوری، عبد الله بن مسلم؛ تأویل مشكل القرآن؛ تحقیق ابراهیم شمس الدین؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا].
۱۱. ابن منادی، احمد بن جعفر؛ متشابه القرآن العظیم؛ تحقیق عبد الله بن محمد غنیمان؛ دمنهور: مكتبة لینه، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
۱۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۴. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ تحقیق صدقی محمد جمیل؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.

۱۵. بروکلمان، کارل؛ تاریخ الأدب العربی؛ ترجمه یعقوب بکر و رمضان عبدالنواب؛ قاهره: دارالمعارف، [بی تا].
۱۶. بغوی، حسین بن مسعود؛ معالم التنزیل (تفسیر بغوی)؛ تحقیق عبدالرزاق مهدی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)؛ تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۸. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر؛ شرح المقاصد فی علم الکلام؛ تحقیق عبدالرحمن عمیره؛ قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
۱۹. جعفری، یعقوب؛ تفسیر کوثر؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۶.
۲۰. جفری، آرتور؛ مقدمتان فی علوم القرآن؛ تحقیق عبدالله اسماعیل صاوی؛ قاهره: مكتبة الخانجي، ۱۳۹۲ق.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية؛ تحقیق احمد عبدالغفور عطار؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۲۲. حسینی میلانی، سیدعلی؛ دراسات فی منهاج السنة لمعرفة ابن تیمیه؛ تهران: انتشارات یاران، ۱۴۱۹ق.
۲۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین؛ تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۲۴. رسی، قاسم بن ابراهیم؛ مجموعه کتب و رسائل؛ تحقیق مجدالدین مؤیدی؛ صنعاء: مؤسسه الإمام زید بن علی، ۱۴۱۲ق.
۲۵. رشیدرضا، محمد؛ تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)؛ قاهره: دارالمنار، ۱۳۷۳ق.
۲۶. زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۲۷. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی و دیگران؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل؛ تحقیق محمد عبدالسلام شاهین؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۲۹. سیوطی، جلال الدین؛ الأتقان فی علوم القرآن؛ تحقیق فؤاد احمد زمرلی؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

۳۰. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۱. سیوطی، جلال‌الدین؛ تفسیر جلالین؛ بیروت: مؤسسة النور، ۱۴۱۶ق.
۳۲. شعبی، علی شواخ اسحاق؛ معجم مصنفات القرآن الکریم؛ ریاض: دار الرفاعی، ۱۴۰۴ق.
۳۳. شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم؛ الملل والنحل؛ تحقیق محمد سیدگیلانی؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۲ق.
۳۴. شیرازی (صدر المتألهین)، صدرالدین محمد؛ الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکیه؛ تحقیق سید جلال‌الدین آشتیانی؛ مشهد: مرکز الجامعی، ۱۳۶۰.
۳۵. شیرازی (صدر المتألهین)، صدرالدین محمد؛ تفسیر القرآن الکریم (تفسیر صدر المتألهین)؛ تحقیق محمد خواجوی؛ قم: انتشارات بیدار، ۱۳۶۶.
۳۶. طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین؛ الإعجاز والتحدی فی القرآن الکریم؛ تحقیق قاسم هاشمی؛ بیروت: مؤسسة الإعلمی، ۱۴۲۳ق.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۹. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج؛ تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسانی؛ نجف: اشرف: دارالنعمان، ۱۳۸۶ق.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۴۱. طبری امامی، محمد بن جریر؛ المسترشد فی إمامة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)؛ تحقیق احمد محمودی؛ قم: مؤسسه فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۱۴۱۵ق.
۴۲. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۴۳. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق سید احمد حسینی؛ تهران: المكتبة المرتضویه، ۱۳۷۵.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۴۵. عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر؛ تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی؛ تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.

۴۶. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۷. فراء، یحیی بن زیاد؛ معانی القرآن؛ تحقیق نجاتی و دیگران؛ مصر: دارالمصریه، [بی تا].
۴۸. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی؛ تفسیر الصافی؛ تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
۴۹. قاضی عبدالجبار اسدآبادی؛ عبدالجبار بن احمد؛ المغنی فی أبواب التوحید والعدل؛ تحقیق جورج قنوانی؛ قاهره: دارالمصریه، ۱۹۶۵م.
۵۰. قاضی عبدالجبار اسدآبادی؛ عبدالجبار بن احمد؛ تنزیة القرآن عن المطاعن؛ بیروت: دار النهضة الحديثه، ۱۴۲۶ق.
۵۱. قاضی عبدالجبار اسدآبادی؛ عبدالجبار بن احمد؛ متشابه القرآن؛ تحقیق عدنان محمد زرزور؛ قاهره: مكتبة دار التراث، [بی تا].
۵۲. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۵۳. قسطنطینی، مصطفی بن عبدالله؛ كشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
۵۴. کسائی، علی بن حمزه؛ مشتهات القرآن؛ تحقیق محمد محمد داوود؛ دار المنار، ۱۴۱۸ق.
۵۵. ماوردی، علی بن محمد؛ النکت والعیون (تفسیر ماوردی)؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۵۶. مشکور، محمد جواد؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی و ایرانی؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.
۵۷. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۵۸. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۵۹. معرفت، محمد هادی؛ شبهات و ردود حول القرآن الکریم؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۴ق.
۶۰. معرفت، محمد هادی؛ علوم قرآنی؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۷۸.
۶۱. مقاتل بن سلیمان؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ تحقیق عبدالله محمود شحاته؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.

محکم و متشابه؛ تحلیلی در منشأ، گستره و حکمت آیات متشابه

۶۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۶۳. میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تحقیق علی اصغر حکمت؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۶۴. نحاس، احمد بن محمد؛ معانی القرآن؛ تحقیق محمد علی صابونی؛ عربستان: جامعه أم القرى، ۱۴۰۹ ق.
۶۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغیبة، تحقیق فارس حسون کریم؛ قم: انتشارات أنوار الهدی، ۱۴۲۲ ق.
۶۶. نقوی، حسین؛ «بررسی تطبیقی ویژگی‌های نوشتاری کتاب مقدس و قرآن کریم»، معرفت ادیان (فصلنامه)؛ ش ۱، زمستان ۱۳۸۸، ص ۹-۴۲.
۶۷. هواری، هود بن محکم؛ تفسیر کتاب الله العزیز؛ تحقیق حاج بن سعید شریفی؛ بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۰ م.
68. Kinberg, Leah, "Ambiguous", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.